

بازتاب تعارض‌های ساختاری و محیطی در همکاری‌های منطقه‌ای

جهان اسلام

مطالعه موردی: سازمان همکاری اسلامی

مهدی نجف‌زاده^۱
رضا آقایی مزرچی^۲

چکیده

مقاله حاضر از طریق به کارگیری رهیافت نوکارکردگرایی و با تأکید بر تعارض‌های ساختاری و محیطی، زمینه‌های واگرایی در سازمان همکاری اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد. سازمان همکاری اسلامی بعد از سازمان ملل بزرگ‌ترین سازمان جهانی منطقه‌ای است، با این وجود برخلاف بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا در طول حیات خود عمیقاً از کارکرد ضعیف رنج برده است. با عبور از سطوح سازمانی به چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تشکلی به نام سازمان همکاری اسلامی به‌رغم تبلیغات ایدئولوژیک، کارکرد خود را از دست داده و ناهمگونی اعضا با رویکردهای متعدد درباره سیاست، فرهنگ و اقتصاد، به‌ویژه در دهه اخیر و در مواجهه با چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی شدن فرهنگ و سیاست، امکان همکاری در شکل اتحادیه‌ای اسلامی را برای کشورهای مسلمان از بین برده است. تحلیل نهایی این پژوهش آن است که کشورهای اسلامی در دهه‌های پیش‌رو ترجیح خواهند داد به سازمان‌هایی با گرایش‌های اقتصادی مشترک بپیوندند.

واژگان کلیدی: سازمان همکاری اسلامی، نوکارکردگرایی، واگرایی، تعارض سازمانی، تعارض محیطی.

^۱ - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤل: m.najfzadeh@um.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

Reflecting on Structural and Environmental Conflicts in the Regional Cooperation of the Islamic World: A Case Study of the Organization of Islamic Cooperation (OIC)

Mehdi Najafzadeh¹

Associate Professor in Political Sciences,
Ferdowsi University of Mashhad

Reza Aghaee Mazraji

M.A. Student of International Relations,
Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The present study discussed areas of disintegration in the Islamic Cooperation Organization by applying neo-functionalism approach and focusing on structural and environmental conflicts. After the United Nations (UN), the Islamic Cooperation Organization (ICO) is the biggest regional world organization. However, it has suffered from weak performance during its life unlike many regional organizations such as the European Union (EU) and the African Union (AU). Moving from organizational levels towards regional and international challenges, we found out that despite the ideological advertisements, the ICO has lost its applications. Cooperation has become impossible for the Islamic countries due to its heterogeneous members with various approaches towards politics, culture and economics especially in the recent decade with new challenges caused by the globalization of culture and politics. The final analysis of this study was that Islamic countries will prefer to join organizations with common economic tendencies in the upcoming decades.

Keywords: the Islamic Cooperation Organization, Neo-functionalism, Disintegration, Organizational conflict, Environmental conflict

مقدمه

با ظهور پدیده جهانی شدن، برخی از تحلیل گران روابط بین الملل پیش بینی می کردند که جهان به سمت نظم های ساختاری متفاوتی فراتر از دولت-ملت ها پیش خواهد رفت. از آن جمله کینچی اوهمای، در دهه ۱۹۹۰ میلادی معتقد بود که سازمان های منطقه ای به شکل قالب سیاست و اقتصاد در دنیای جدید درخواهند آمد. ویلیام زارتمن حتی فراتر از این پیش بینی کرده بود که نظام جهانی دوقطبی فروخواهد پاشید و نظمی مبتنی بر سازمان های همکاری منطقه ای جایگزین آن خواهد شد (Ghavam, 2003, p.45).

¹ - Corresponding Author: m.najafzadeh@um.ac.ir

اکنون در دهه دوم قرن بیست و یکم می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از این نظریات بیش از حد خوش‌بینانه بوده‌اند. احتمالاً دنیا بسیار کندتر از پیش‌بینی‌های اولیه در حال حرکت است. ضمن اینکه جهانی‌شدن مسائلی را پیش آورده است که امکان مصالحه منطقه‌ای و جهانی بر سر موضوعات را بیش از گذشته با چالش مواجه ساخته است. سربرآوردن هویت‌های جدید در دو سطح محلی و جهانی منجر به خلق تروریسم شده و منازعه میان بلوک‌های ایدئولوژیک را بیشتر ساخته است. در این بین، گفتمان مسلط لیبرالیسم درخصوص توسعه با چالش‌های عمده روبه‌رو شده و شکاف شمال و جنوب همچنان باقی است. دنیا همچنان گرفتار دوگانگی بر سر بحران تروریسم باقی مانده و در این میان به‌خصوص دنیای اسلام محل مناقشه جدید شده است. با این وجود، منازعه بر سر هویت، دنیای اسلام را نیز چندپاره ساخته و بنابراین دفاع از یک ایده به نام جهان اسلام را عملاً غیرممکن ساخته است.

فکر و ایده‌سازمانی که بتواند دنیای اسلام را نمایندگی کند، همواره از سوی کشورهای اسلامی مطرح بوده است. یکی از مهم‌ترین این سازمان‌ها، سازمان همکاری اسلامی است. با این وجود برخلاف بسیاری دیگر از سازمان‌های منطقه‌ای شبیه به اتحادیه اروپا و حتی اتحادیه آفریقا، سازمان همکاری اسلامی را عملاً به‌منزله یک بلوک قدرت اسلامی نباید به‌شمار آورد، این درباره دیگر سازمان‌های اسلامی نیز صادق است. برخلاف پیش‌بینی‌های ساده‌انگارانه دهه بیست که جهان اسلام را کلتی واحد به‌شمار می‌آورد، منازعه مهمی در میان کشورهای اسلامی درباره فرهنگ، سیاست و اقتصاد جاری است. خطوط گسل میان برداشت از اسلام در سال‌های اخیر، این منطقه بزرگ جغرافیایی را چندپاره ساخته و حتی گفتمان مسلطی که بتواند آمال و ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی را حول سازمانی واحد متحد کند وجود ندارد. سیستم‌های سیاسی کاملاً متعدد و گاه در حال منازعه بر این منازعه دامن زده است.

بر پایه این واقعیت‌های اساسی، مقاله حاضر نقطه عزیمت خود را بر محور این پرسش قرار داده است که چرا کشورهای اسلامی قادر به تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای نیستند و آیا اساساً می‌توان در چشم‌اندازهای تاریخی موانع تشکیل چنین سازمان‌هایی را از میان برداشت. بر پایه این سؤال این فرضیه مطرح شده است که عوامل متعدد سازمانی، محیطی و بین‌المللی امکان موفقیت در سازمان‌های منطقه‌ای حول ایدئولوژی اسلامی را تقریباً غیرممکن ساخته‌اند و تنها اقدامات هم‌گرایی می‌تواند از دامن‌زدن و افزایش شکاف و منازعه میان کشورهای اسلامی جلوگیری کند.

برای بررسی فرضیه پژوهش سازمان همکاری اسلامی به مثابه مطالعه موردی در نظر گرفته شده و مهم ترین چالش های فراروی این سازمان در سه سطح ساختار سازمان، محیط داخلی کشورهای عضو و در محیط بین المللی مورد مطالعه قرار گرفته است.

در پی شکست اعراب در جنگ شش روزه (۱۹۷۶) از رژیم های اشغال گر فلسطین، رژیم های محافظه کار عرب در موضعی تدافعی ناچار شدند تا برای خاموش ساختن آتش احساسات توده ای مسلمانان کشورهای خود، درصدد ایجاد سازمان همکاری اسلامی برآیند. تشکیل سازمان به ابتکار ملک فیصل پادشاه عربستان صورت گرفت. سران کشورهای اسلامی پس از آتش سوزی مسجد الاقصی در اوت ۱۹۶۹ به سازمان مزبور موجودیت بخشیدند (Mousazadeh, 2010, p.353). سازمان همکاری اسلامی بزرگ ترین سازمان، بعد از سازمان ملل متحد است که ۵۷ کشور عضو آن هستند. همچنین مقر اصلی سازمان همکاری اسلامی و مراکز بزرگ آن در جدّه عربستان است. نام این سازمان از زمان تأسیس در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ تا سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ سازمان کنفرانس اسلامی بوده، اما در سی و هشتمین اجلاس شورای وزیران امور خارجه این سازمان که ۲۸ تا ۳۰ ژوئن در شهر آستانه (پایتخت قزاقستان) برگزار شد نام آن به سازمان همکاری اسلامی و نشان آن نیز تغییر یافت.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش برای تبیین چالش های سازمان همکاری اسلامی از رویکرد نظری نوکارکردگرایی سود خواهیم جست. نوکارکردگرایی مولود فکری کارکردگرایی است که عمدتاً به بسط، اصلاح و آزمایش فرضیه های مربوط به هم گرایی پرداخته است. نوکارکردگرایی فرآیندی را توصیف می کند که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد مجزا ترغیب می شوند تا وفاداری ها، فعالیت های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهاد های این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت های ملی موجود را تحت پوشش خود می گیرند و یا چنین صلاحیتی را می طلبند (Hass, 1958, p.16). موضوع محوری در نوکارکردگرایی این است که هنگامی که هم گرایی آغاز شد، هم گرایی بخشی رفته رفته به سایر حوزه های هم ریشه و هم خانواده خود، به خصوص در حوزه های موضوعی که سطح بالای وابستگی متقابل وجود داشته باشند و یا به صورت بالقوه از این موقعیت برخوردار باشند، تسری می یابد (Ghavam, 2005, p. 50).

برای تبیین بازتاب عوامل ساختاری بر کارکرد سازمان همچنین از نظریه «هم گرایی و واگرایی» استفاده شده است. در میان محققان کماکان در مورد واژه هم گرایی تشویش زیادی وجود دارد. به نظر

دونالد پوچالا هم‌گرایی یک سلسله از فرآیندها است که باعث ایجاد و تداوم یک نظام هماهنگ در سطح بین‌المللی می‌گردند، به عبارت دیگر، نوعی نظام بین‌المللی است که در آن بازیگران هماهنگ ساختن منافع خود، مصالحه در مورد اختلافات خویش و تحصیل عواید متقابل از طریق تعاملات خود را همواره میسر می‌یابند (Puchala, 1972, p.22). در تعریفی دیگر از هم‌گرایی آمده است: هم‌گرایی در هم‌آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است (Mojtahedzadeh, 2000, p.69). مقوله هم‌گرایی گاه به‌عنوان یک فرآیند در نظر گرفته می‌شود که شامل کنش و واکنش‌ها و اقداماتی است که برای نیل به مرحله وحدت صورت می‌گیرد و گاه به‌عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی نگاه می‌شود. به عقیده آمیتای آتزیونی، یک جامعه سیاسی تنها هنگامی وحدت دارد که عناصر و ابزار خشونت برای برقراری نظم و کنترل را در اختیار داشته باشد (safavi, 2010, p.150). پس می‌توان گفت همه روندهای هم‌گرا از یک منطق درونی تبعیت می‌کنند که از نظر میل‌تون فریدمن شیوه‌هایی است برای پیگیری، تفسیر یا سازمان‌دهی مسائلی که به ظاهر متفرق و پدیده‌های متکثر به نظر می‌آیند در صورتی که تجلی یک ساختار اساسی تر و نسبتاً مرتبط تلقی می‌شوند، می‌باشد (Fridman, 1953, p.33).

برعکس، واگرایی عبارت است از فرآیندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (Ghavam, 1991, p.229). در کل، شکل‌گیری فرآیند واگرایی در یک ساختار فضایی - جغرافیایی، مستلزم وجود زمینه‌ها و عوامل مختلفی است که عمده آنها به شرح زیر است:

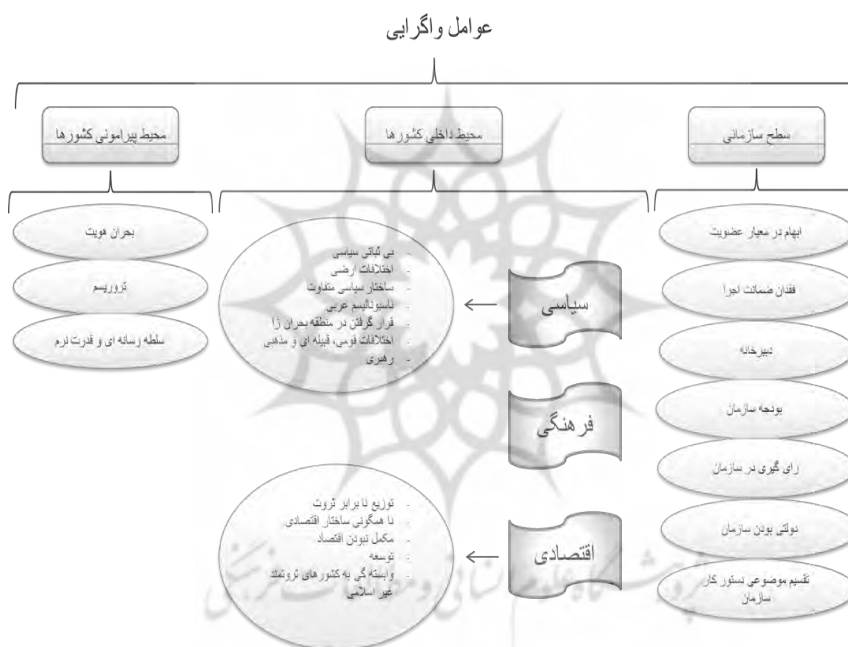
۱. گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه‌ساز، به‌خصوص در مقیاس محلی و منطقه‌ای (Hafeznia & Kavianirad, 2004, p.65).
۲. گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی.
۳. تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی، نظیر توسعه حوزه نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت برای سیادت منطقه‌ای و جهانی (Wiclean, 1989, p.65).
۴. بروز تعارضات درون‌ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضا نسبت به یک‌دیگر، به‌ویژه آنهایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن هستند، یا احساس تهدید مشترک امنیتی نسبت به یک‌دیگر.
۵. محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک اعضا.
۶. وجود سازه ائتلافی رقیب و یا متداخل که می‌تواند برخی از اعضا را جذب و باعث از هم‌پاشیدگی آن شود.

۷. بروز تحولات درون ساختی هر یک از اعضا در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و غیره، نظیر فروپاشی پیمان «سنتو» با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (Hafeznia, 1990, p.58).

۸. رقابت اقتصادی که منعکس کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه‌داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزان‌تر است (Ghavam, 1991, p.235).

واگرایی در سازمان همکاری اسلامی در مقاله حاضر در سه سطح ارائه می‌شود: ۱. سطح سازمانی: که چالش‌های سازمان در امور داخلی آن را بیان می‌کند، ۲. محیط داخلی کشورها: که به ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای عضو پرداخته است، ۳. محیط پیرامونی کشورها: در این سطح اثرگذاری عوامل بین‌المللی بر عملکرد سازمان و کشورهای عضو بررسی خواهد شد.

برای کمک به روشن شدن بحث، از طریق جدول زیر می‌توان عوامل اثرگذار بر عدم کامیابی سازمان همکاری اسلامی را مشاهده کرد.



شکل ۱: عوامل و زمینه‌های واگرایی در سازمان همکاری اسلامی مدل از نگارندگان

پیشینه پژوهش

تعمیق هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی از دغدغه‌های جدی کشورهای اسلامی است و به دنبال آن موضوع شناسایی چالش‌های موجود در سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین شکل سیاسی و اقتصادی که با هدف گسترش همکاری‌ها میان کشورهای اسلامی در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأسیس شده است لازم به نظر می‌رسد. باین حال اکثر منابع موجود در مورد سازمان همکاری اسلامی به بعد هنجاری توجه کرده که اساساً مربوط به ابعاد اخلاقی و ارزشی است و به تعبیر بهتر به جای پرداختن به اینکه «چه چیزی هست» به «چیزی که باید باشد» بیشتر توجه شده است و همین عامل سبب شده است که منابع موجود در زمینه شناسایی چالش‌های سازمان همکاری اسلامی بسیار اندک باشد. در برخی از پژوهش‌ها در ارتباط با مشکلات سازمان همکاری اسلامی بر وضعیت آموزش عالی و تولید علم تأکید شده است. مهرداد مدهوشی (۲۰۰۹)، در بررسی خود با عنوان «وضعیت آموزش عالی و تولید علم در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی» معتقد است آموزش عالی نقش اساسی و محوری در فرآیند توسعه ملی و توازن بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشورها دارد، لذا کشورهای اسلامی بایستی به صورت جدی عملکرد آموزش عالی را مورد بررسی قرار دهند. وی در این راستا وضعیت آموزش عالی و تولید علم را در ۵۷ کشور عضو کنفرانس اسلامی در ابعاد مختلف و با استفاده از پایگاه اطلاعاتی یونسکو مورد تحلیل قرار داده است و در پایان وضعیت آموزش عالی و تولید علم در ۵۷ کشور مسلمان را نسبت به شاخص‌های جهانی، بسیار نامطلوب می‌داند.

یوسف حسن‌پور (۲۰۱۰)، در مقاله «بررسی موانع و مشکلات کشورهای عضو در ایجاد و ارتقای مراحل یکپارچگی اقتصادی» نشان می‌دهد که شکاف عمیقی فی‌مابین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از حیث فضا و امکان یک‌پارچگی اقتصادی وجود دارد. همچنین این کشورها از حیث امکان یک‌پارچگی فاقد تنوع صادراتی جهت رشد و پیشرفت، و همچنین پیش‌برد تعاملات بازرگانی و اقتصادی فی‌مابین می‌باشند؛ و در نهایت معتقد است مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف کشورهای عضو جهت بهبود فضای یک‌پارچگی اقتصادی لازم است.

ناصر بهرنگی‌نیا و وحید شقاقی شهری (۲۰۰۷) در مقاله «روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی» برای موفقیت سازمان و کشورهای عضو به روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی به مثابه امری مهم تأکید دارد. وی در مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد این کشورها در جذب FDI در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته عملکرد ضعیفی در جذب سرمایه خارجی داشته‌اند، وی برای حل این

مشکل، آزادسازی اقتصادی و تجاری را پیشنهاد می کند که باید با درایت کامل، به اجرای سیاست های صحیح پولی و مالی نیز توجه داشته باشند تا در این مسیر با مشکلات احتمالی مواجه نگردند.

برخی دیگر به مشارکت های درون گروهی در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی پرداخته اند. حسن ثاقب (۲۰۰۵)، در مقاله «بررسی میزان مشارکت درون گروهی و عضویت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در هم گرایی منطقه ای» نشان می دهد که سازمان همکاری اسلامی به نسبت جمعیت و مساحت کشورهای عضو جایگاه شایسته ای در فعالیت های اقتصادی و تجاری جهان نداشته است و تلاش در جهت ایجاد زمینه های مناسب به منظور گسترش این گونه فعالیت ها در سطح بین المللی ضروری به نظر می رسد. باین وجود با داشتن شرایط و موقعیت های متفاوت کشورهای اسلامی از لحاظ ویژگی های اقتصادی - تجاری، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی می توانند از تشکیل پیمان های منطقه ای به عنوان ابزار اساسی جهت ارتقاء تغییرات ساختاری بهره ببرند.

محمد امجد (۲۰۰۳) در مقاله «نظریه هم گرایی و سازمان کنفرانس اسلامی» به دنبال آن است که راه های هم گرایی و نزدیکی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را برشمرد. وی معتقد است سازمان برای ایفای نقش تاریخی خود در کشورهای عضو برای ایجاد تحولات عظیم اقتصادی، اجتماعی، فنی و سیاسی (نظیر آنچه در اروپا اتفاق افتاده) نیاز به یک خانه تکانی بزرگ دارد و به دلیل پیچیدگی نظم جهانی و تغییرات عمده ای که در زمینه های مختلف ایجاد شده، کشورهای اسلامی باید از سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان نهادی که بالقوه می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات کشورهای اسلامی در این راستا باشد بهره ببرند.

سید نعمت الله قادری (۲۰۰۷) در بررسی خود با عنوان «سازمان کنفرانس اسلامی، فرصت ها و چالش ها و نقش ایران در آن» بیشتر به جنبه های ارزشی سازمان در غالب گردآوری سخنرانی های ریاست محترم جمهوری و وزیر امور خارجه از سایت های مختلف پرداخته است. مطالب این پژوهش به این مسئله می پردازد که این سازمان با تقویت و توسعه همکاری های فی مابین در ابعاد مختلف در چهارچوب منافع و حقوق امت اسلامی می تواند اقدامات مثبتی را انجام دهد، همچنین موقعیت ممتاز جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام و منطقه و نقش موثر آن در اجلاس در ارتقای موقعیت بین المللی و جلب توجه رسانه های گروهی سازمان های بین المللی و دولت ها تعیین کننده بوده و هست. به رغم فراوانی منابع و پژوهش های مرتبط با سازمان همکاری اسلامی، پژوهش چندانی به ویژه درباره موضوع مقاله حاضر انجام نگرفته است و

اغلب بر یکی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و یا سیاسی تأکید شده است. این پژوهش درصدد است چالش‌های سازمان همکاری اسلامی را در سطوح مختلف بررسی کند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در شش بخش ارائه شده است. در بخش اول، مهم‌ترین چالش‌های سازمانی مورد تأکید قرار گرفته است، بخش دوم به چالش‌هایی که کشورهای عضو در محیط داخلی و همچنین مناسبات خود با همدیگر روبه‌رو هستند پرداخته است، در بخش سوم، بازتاب عوامل فرهنگی تنش‌زا مورد تأکید قرار گرفته است، بخش چهارم ناهمسانی محیط اقتصادی به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل ناکارکردی این سازمان احصاء شده است و سرانجام موضوعات و مسائلی که فراتر از محیط منطقه‌ای و داخلی و به مثابه عوامل پیرامونی چالش‌های اساسی فراروی این سازمان قرار داده است مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- چالش‌های سازمانی

۱-۱- ابهام در معیار عضویت

موضوع عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی در ماده ۸ اساس‌نامه این سازمان تصریح شده است، به صراحت می‌توان ادعا کرد که اساس‌نامه سازمان به استثناء شرط مسلمان بودن هیچ‌گونه شرط خاصی را جهت عضویت در سازمان مشخص نکرده است، به عبارت دیگر سازمان همکاری اسلامی به «غیرکشورها» اجازه عضویت در سازمان را نمی‌دهد (Sayed-as-salim, 1997, p.21). بحث عضویت یکی از مشکلات قانونی است که عملکرد بهینه سازمان را با مشکل مواجه نموده و همین موضوع موجب شده است تا سازمان از نظر عضویت، گسترش بی‌رویه بیابد (Shooshtari, 2004, p.167).

همچنین هیچ‌گاه معیار مشخص و ثابتی برای عضوگیری اعمال نشده است، شماری از کشورهای اقلیتی مسلمان به عضویت پذیرفته شده‌اند، ولی در مقابل درخواست عضویت هند رد شده است، این در حالی است که زانزیبار، در تانزانیا از اعضای سازمان هستند (Simbar & Ghorbani, 2011, p.215).

۲-۱- فقدان ضمانت اجرایی و نظام تصمیم‌گیری

سازمان همکاری اسلامی تاکنون موفق شده است قطعنامه‌های زیادی به صورت اجماع در زمینه موضوع‌های مختلف مندرج در دستور کارش تصویب کند، اما در مقام عمل اغلب ناموفق بوده و اعضا معمولاً مواضع ملی خود را با تعصب پی گرفته‌اند. سازمان در مورد فلسطین توانست محملی برای گرفتن مواضع مشترک شود، اما در مقام اجرا کاری از پیش نبرد (Ahmadi, 1998, p.719). بدین ترتیب یکی از

اشکالات عمده که در اساس نامه سازمان وجود دارد، فقدان هرگونه ماده و یا شرط و شروطی برای مجازات کشورهایی است که مفاد اساسنامه را نقض می کنند (Sayed-as-salim, 1997, p.23).

سازمان همکاری اسلامی همچنین فاقد نهادی برای تصمیم گیری مؤثر و پیگیری اجرای این تصمیمات از طریق نوعی مجازات مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد است. این در حالی است که با توجه به جمیع جهات برخی پیشنهادات برای ایجاد نهادی مشابه شورای امنیت برای همکاری اسلامی واقع بینانه به نظر نمی رسد، در همین زمینه بی تفاوتی برخی از اعضا نسبت به امور همکاری اسلامی از دیگر مسائل مهم مبتلابه سازمان است، به عنوان مثال برخی از کشورهای عضو نزدیک به ده سال است که در نشست های اجلاس شرکت نکرده و اطلاعی در مورد سیاست خود نداده اند (Simbar&Ghorbani, 2011, p.215). همچنین به دلیل عدم وجود شورای دائمی تصمیم گیری در رأس سازمان، بیشتر تصمیمات در اجلاس های وزرای خارجه گرفته می شود که به علت ناهمگونی و عدم تجانس کشورهای شرکت کننده و اختلاف منافع زیاد کشورها و قدرت نفوذ برخی از کشورها، تصمیمات از قاطعیت خاصی برخوردار نبوده و بیشتر شکل مخرج مشترک منافع اعضا را دارد که بالطبع دارای انعطاف زیاد و کلی گویی در مورد حل مسئله هستند (Fouzi Toyserkani, 1998, p.64).

۱-۳- دبیرخانه

سازمان همکاری اسلامی دارای دستور کار بسیار گسترده ای است که فاقد بودجه و امکانات مالی و اداری لازم جهت برآورده کردن آنهاست، در نتیجه با توجه به امکانات موجود و میزان مشارکت اعضا، کار روی موضوعات و پیگیری آنها بسیار سطحی است، سازمان تنها در صورتی می تواند از عهده انجام چنین کاری برآید که بر مشکلات حقوقی، ساختاری و... خود غلبه کند (Simbar&Ghorbani, 2011, p.215). همچنین دبیرکل نیز می تواند در سازمان یک عنصر مهم قلمداد شود، زیرا وی یک هماهنگ کننده و یک رئیس اجرایی در سازمان به شمار می آید، ابقای یک دبیرکل برای مدت طولانی، ممکن است سازمان را از یک دبیرکل قوی محروم نماید. از طرف دیگر اگر دبیرکل بخواهد در پست خود منافع کشورهای خاص را در نظر بگیرد و گرایش های ملی خود را دخیل نماید، این سازمان هیچ گاه پیشرفتی نخواهد داشت، لذا لازم است نهادی در سازمان تعبیه شود که نقش مسئول بودن دبیرکل در برابر اهداف سازمان و وظایف محوله را آشکار کند و نمایندگان کشورها را قادر سازد تا از او در برابر امور مختلف سؤال نماید (ahari, 1997, p.736).

۱-۴- بودجه سازمان

براساس ماده هفت منشور، هزینه‌های سازمان باید به وسیله اعضا و برطبق درآمد ملی آنها تأمین گردد و اصولاً سازمان براساس سهمیه‌های مقرر برای هر کشور براساس میزان درآمد ملی و همچنین کمک‌های داوطلبانه اعضا برپا ایستاده و قادر به عمل می‌باشد. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از اعضا از پرداخت حق عضویت خود ناتوان بوده و یا حاضر به پرداخت آن نمی‌باشند. کشورهای ثروتمند خلیج فارس و مخصوصاً عربستان و کویت نقش کلیدی در تأمین بودجه سازمان داشته و در نتیجه از نفوذ بالایی در سازمان برخوردار خواهند بود. این امر باعث اعمال نفوذ در جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی سازمان گردیده و علاوه بر اینکه ابزاری برای اجرای سیاست‌های فرهنگی این کشور گردیده است برخوردی محافظه کارانه را با مسائل و معضلات جهان اسلام فراهم می‌آورد (Fouzi Toyserkani, 1998, p.64).

۱-۵- ابهامات رأی‌گیری

منشور سازمان برای نشست‌ها و وزرای امور خارجه، سیستم رأی‌گیری خاصی را مشخص کرده، ولی برای نشست‌های سران چنین سیستمی را معین نکرده است. از این رو یکی از مشکلات فراروی سازمان، نبود یک سیستم رأی‌گیری مشخص است. این مشکل موجب شده تا در نشست‌ها، تصمیم‌گیری براساس اجماع و اجتناب از رأی‌گیری صورت پذیرد و این رویه باعث شده تا قطعنامه‌های سازمان، ضعیف، متناقض و گاهی اوقات اجرانشدنی باشند (Shooshtari, 2004, p.169). به علاوه هنوز هم ترتیب نامتعارفی در مجموعه تشکیلاتی سازمان وجود دارد: کنفرانس سران با حضور رؤسای دولت تشکیل می‌گردد، درحالی که در بعضی از کشورها، مسئول عالی اجرایی نماینده دولت محسوب می‌شود، البته در برخی از کشورها هر دو مقام در یک نفر جمع شده است (Fasahat, 1997, p.796).

۱-۶- دولتی بودن سازمان

یکی از دلایل عمده پیشرفت کند و دستاورد اندک این سازمان، ویژگی صرفاً دولتی بودن است. سازمان باید همانند سازمان ملل متحد، در تلاش‌های خود برای رسیدن به اهداف، از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های سازمان‌های غیردولتی بهره‌بردارد. سازمان‌های غیردولتی، منبعی ارزشمند در تلاش‌های سازمان ملل متحد برای تقویت وجدان عمومی درباره مسائل موردبررسی به‌شمار می‌آیند (Fasahat, 1997, p.794). علاوه بر این، بسیاری از کشورهای مسلمان دارای حکومت‌های اقتدارگرا هستند و این موجب بی‌رغبتی سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در این سازمان می‌گردد. صرف نظر از نیت و مقاصد اعضا، این امر سازمان را از کمک‌های بالقوه خارجی محروم می‌کند (Shooshtari, 2004, p.173).

۱-۷- تقسیم موضوعی دستور کار سازمان

تقسیم موضوعی دستور کار سازمان از دیگر عوامل اثرگذار بر فعالیت سازمان همکاری اسلامی است. اکنون ترکیه، پاکستان، سنگال و عربستان سعودی هر کدام به عنوان مقرر اصلی کمیته‌های دائم اقتصادی، علمی، ایدئولوژیک، فرهنگی، اطلاعاتی، سیاسی و امور مربوط به قدس شناخته شده‌اند و هر کدام از آنها هدایت این موارد را برعهده دارند، درحالی که هیچ نهادی برای شناسایی فوریت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی تعیین نشده که دارای جنبه فراگیر و مورد اقبال همگان باشد. افرادی که مسئولیت این کمیته‌ها را برعهده دارند، رؤسای جمهور کشورهای یاد شده هستند که به دلیل اشتغال آنها در امور مهم ممالک خود و یا به دلیل محدودیت‌هایی که در گرفتن تصمیمات دارند، نمی‌توانند در اولین فرصت فوریت‌ها را شناسایی کنند و یا درباره آنها تصمیم بگیرند (Ahari, 1997, p.735).

۲- چالش‌های محیطی

اختلاف‌های سیاسی بزرگ‌ترین مانع بر سر راه هم‌گرایی کشورهای اسلامی به شمار می‌آید و عامل اصلی شکست اقدامات و طرح‌های هم‌گرایی در میان کشورهای اسلامی است. این اختلاف به‌طور عمده از تفاوت نظام‌ها و ساختار سیاسی کشورها و به تبع آن اختلاف‌های عقیدتی و تضاد منافع کشورها که جهت‌گیری‌های متفاوتی را به دنبال می‌آورد ناشی می‌شود.

۲-۱- بی‌ثباتی سیاسی

در واقع تأسیس سازمان در بحبوحه جنگ سرد عربی اتفاق افتاد که در نظام سیاست جهانی ریشه داشت، در طی جنگ سرد، کشورهای اسلامی به سه دسته عمده تعلق داشتند: طرفداران بلوک غرب، طرفداران بلوک شرق و غیرمتعهدها. انقلابی‌گری ناصری و ضدپادشاهی بعضی‌ها نیز وضعیت حکومت‌های پادشاهی این منطقه را بی‌ثبات ساخته بود و در نهایت به برهم خوردن صحن سیاسی منطقه منجر گردید (Lenczowski, 1978, p57). در این زمینه می‌توان به اختلافات داخلی و کودتاهای مختلف در کشورهای نظیر پاکستان، عراق، کشورهای آفریقایی، کشورهای آسیای میانه و قفقاز اشاره نمود. بی‌ثباتی از این جهت که موجب تغییر پی‌درپی حکومت و روی کار آمدن حکومت جدید در یک کشور می‌شود، موجب ناپایداری سیاست‌ها و دگرگونی مشی سیاسی حکومت‌ها و در نتیجه فشارهای داخلی می‌گردد. همچنین باعث می‌شود توجه کشورها از پرداختن به مسائل منطقه‌ای، به سوی تلاش برای برقراری ثبات داخلی و حفظ موجودیت حکومت جلب گردد، که نتیجه آن پایبند نبودن به تعهدات منطقه‌ای است (Fouzi Toyserkani, 1998, p.92). از این رو اختلاف‌های داخلی، آسیب‌پذیری بزرگی

است که کشورهای اسلامی با آن روبه‌رو بوده‌اند و این آسیب‌پذیری همواره مورد بهره‌برداری قدرت‌های خارجی و یا حامیان منطقه‌ای آن قدرت‌ها قرار گرفته است (Ghasemi, 2002, p.94).

۲-۲- اختلافات ارضی و مرزی

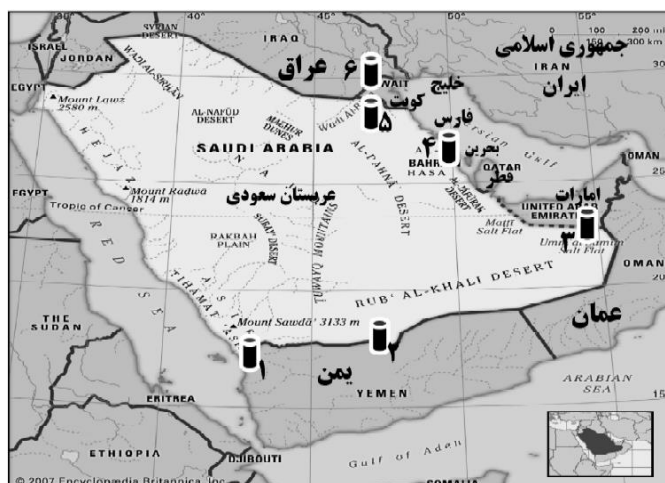
این پدیده بیشتر محصول دوران استعمار و سلطه مستقیم کشورهای خارجی بر کشورهای اسلامی و نوع تقسیم کشورهای اسلامی مخصوصاً پس از فروپاشی عثمانی که در تاریخ سوم مارس ۱۳۲۳/۱۹۲۴ رخ داده است (Shooshtari, 2004, p.94). لازم به ذکر است که مرزهای قلمروی غربی جهان اسلام زودتر از مرکز آن تعیین و مشخص شدند و کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا در ایجاد آن نقش داشته و پس از استقلال نیز همان مرزها به رسمیت شناخته شد. از آنجایی که اکثر این مرزها از نوع هندسی و به خط مستقیم هستند و در ترسیم آنها به مسائل انسانی، دفاعی و نظامی کاملاً بی‌توجهی شده است، بنابراین هر لحظه امکان درگیری در این کشورها وجود دارد، زیرا هیچ‌یک از آنها از وحدت عملیاتی لازم برخوردار نیستند (Ezati, 2008, p.176).

اختلاف‌های مرزی ایران و عراق بر سر تعیین خط مرزی رود اروند و کنترل این آبراه، اختلاف مرزی عراق و کویت، اختلاف ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس، اختلاف‌های سرزمین عربستان، عمان و ابوظبی در مورد واحه‌های بومی، اختلاف بحرین و قطر بر سر حاکمیت بر جزایر حوار، اختلاف عربستان و کویت بر سر جزایر حوار، اختلاف عربستان و کویت بر سر جزایر قارو و ام‌المرادیم، اختلاف مرزی مالزی با اندونزی، اختلاف مرزی نیجریه با کامرون و... از جمله این اختلاف‌ها هستند (Mamduhi, 1992, p.40). این دخالت‌ها، مشکلات سیاسی و اقتصادی فراوانی را بر این کشورها تحمیل کرده و جنگ‌های زیادی را به وجود آورده است، برای مثال می‌توان به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره کرد که طولانی‌ترین جنگ بعد از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود (Sayed-as-salim, 1997, p.151).

۲-۳- تنوع سطوح توسعه یافتگی کشورها

نظام‌های سیاسی متفاوتی از قبیل سلطنتی، محافظه کار سنتی، جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و سوسیالیستی در رأس این سازمان وجود دارد. حتی در میان نظام‌های مشابه به دلیل ماهیت متفاوت، سازگاری دیده نمی‌شود. برای نمونه قانون اساسی دوازده کشور به‌طور مشخص بیان می‌دارد که این کشورها لائیک هستند، در حالی که در چهارچوب عضویت در سازمان همکاری اسلامی خود را کشور اسلامی می‌دانند. بافت ناهمگون قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو، موجب اعمال نفوذ کشورهای قدرتمند در درون سازمان و بر کشورهای ضعیف‌تر گردیده که این کشورها، با تجهیز امکانات، بر

کشورهای ضعیف دیگر تأثیر می گذارند و آنها را به موضع گیری های خاص در جهت منافع خود وادار می دارند (Fouzi Toyserkani, 1998, p.65).



- ۱ اختلاف عربستان و یمن بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (جیزه)
- ۲ اختلاف عربستان و یمن بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (ال جنا بلوک)
- ۳ اختلاف امارات با عربستان بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (شینه زراه)
- ۴ اختلاف عربستان و بحرین بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (بوسفاح)
- ۵ اختلاف کویت با عربستان بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (منطقه تقسیم شده)
- ۶ اختلاف عراق با کویت بر سر منابع هیدروکربنی بین مرزی (رومیله)

شکل (۲): اختلاف مرزی کشورهای شبه جزیره عربستان بر سر منابع هیدروکربنی

۲-۴- ناسیونالیسم عربی

اکثریت کشورهای عضو سازمان، عرب هستند که این امر ائتلاف قدرتمندی را از این کشورها در داخل سازمان در مقابل دیگر کشورهای غیرعرب به وجود آورده است. اصولاً کشورهای عربی همواره جهت دفاع از منافع مشترک خود تشکلهایی را داشته و به نزدیک کردن نظرات خود می پرداختند که از جمله می توان به اتحادیه عرب اشاره نمود (Fouzi Toyserkani, 1998, p.69). همچنین وزیر امور خارجه عراق در دوازدهمین کنفرانس وزرای امور خارجه که از اول تا پنجم ژوئن ۱۳۶۰/۱۹۸۱ در بغداد برگزار شد ایران را به عنوان متجاوز معرفی کرد و گفت در نزاع میان عرب و غیرعرب، کشورهای عربی نباید بی طرف باقی بمانند (Fasahat, 1997, p.801).

قرار داشتن مقرر بسیاری از نهادهای مهم و تخصصی سازمان و مراکز حساسی مانند دبیرخانه، مؤسسه اسلامی علوم و فنون و توسعه، مجمع الفقه اسلامی و غیره در عربستان سعودی موجب گسترش این نفوذ شده است. کشورهای خاص و معدودی در سازمان، به دلیل در اختیار داشتن شریان‌های مالی سازمان، پست‌های کلیدی و حساس را در اختیار دارند، ساختمان دبیرخانه سازمان و زمین بانک توسعه اقتصادی از سوی کشور عربستان به سازمان اهدا شده است و بیشترین سهم از سرمایه‌های موجود در بانک توسعه اسلامی و صندوق همبستگی اسلام از آن این کشور است (Shoostari, 2004, p.161).

۲-۵- قرار گرفتن در منطقه بحران‌زا

تقریباً تمام کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی از نظر سیاسی و امنیتی همواره با مشکلاتی مواجه بوده‌اند، اگرچه برخی از مشکلات امنیتی این کشورها در مسائل و مشکلات داخلی ریشه دارد، اما قرارداد داشتن در مناطق بحران‌زا این مشکلات را دوچندان کرده است. متأسفانه، تحدید حدود و علامت‌گذاری و قراردادهای مرزی که آنها را همراهی می‌کنند، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد، تا جایی که اگر به نقشه کشورهای عربی بنگریم به سختی می‌توانیم دو کشور را پیدا کنیم که در حال منازعه با یکدیگر نباشند (Drysel & Belic, 1991, p.112). این اختلاف‌ها تا حدی به همین ترتیب در کشورهای آفریقایی عضو سازمان نیز وجود دارد، کشورهای غیرعرب آسیایی عضو سازمان مانند پاکستان و افغانستان نیز وضعیت بهتری ندارند، شاید شمار اندکی از کشورهای مسلمان باشند که تا حدودی به مدیریت و مهار بحران‌های داخلی و منطقه‌ای خود قادر هستند.

۲-۶- اختلاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی

وجود اختلاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی از ویژگی‌های بارز جوامع جهان سومی است که جهان اسلام به‌عنوان جزئی از این حوزه دچار این عارضه شده است، اختلافاتی مانند اختلافات ارامنه و آذری‌ها در آذربایجان، اختلافات مذهبی در بحرین، جدایی‌طلبان کرد در ترکیه و عراق و درگیری‌های قوم مهاجر در پاکستان از این جمله هستند (Shoostari, 2004, p.98). تأکید بر یک قومیت خاص و ایجاد ایدئولوژی‌های سیاسی - نژادی باعث اختلاف دوچندان می‌شود و تأکید بر کشورهای عربی آنها را از جوامع غیرعرب جدا می‌سازد و حتی تأکید بر تشیع باعث ایجاد قطب‌بندی‌های ایدئولوژیک سیاسی - نژادی می‌شود، تا به آنجا که در سال ۱۳۸۶ مفتی‌های عربستان با صدور فتاوی نفاق‌برانگیزانه، شیعه‌کشی را روا داشتند و موج جدیدی از خشونت در مناطق هم‌جوار شیعه و سنی عراق بر پا نمودند (Vaez, 2008, p.166). هنوز بسیاری از فرقه‌های مسلمان هم‌دیگر را کافر می‌شمارند و به دنبال آن منازعاتی که در

کشورهای اسلامی به وقوع می‌پیوندد سبب شده تا کشورهای اسلامی به‌عنوان ناقض حقوق بشر نیز معرفی شوند. این اتهامات پیامدهای خطرناکی به همراه دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- مانع گرایش غیرمسلمان‌ها به اسلام می‌شود؛

- چهره اسلام را نزد افکار عمومی جهان مخدوش می‌کند؛

- به مداخله و تجاوز در کشورهای اسلامی و تحریم علیه آنها مشروعیت می‌بخشد (Sonboli,

1997, p.778).

۲-۷- رهبری

پس از سقوط نظام دوقطبی در جهان، نظام جهانی شاهد استقلال کشورها از یوغ دو بلوک شرق و غرب در اقصی نقاط جهان بود. یکی از این حوزه‌ها در جهان اسلام به وقوع پیوست. این پدیده بستر استقلال برای کشورهای تازه به استقلال رسیده اسلامی را مهیا کرد (Naji & Jayum.A, 2013, p.4). در جهان اسلام قطب‌های قدرت متعددی وجود دارند که دارای وزن ژئوپولیتیک نسبتاً یکسانی بوده و برتری دیگر قطب‌ها را برنتابیده و با هم دیگر رقابت می‌کنند و یکدیگر را به چالش می‌کشند. از سوی دیگر نبود یک رهبری واحد در جهان اسلام و اختلاف کشورهای مسلمان برای تصاحب این مقام نیز در تضعیف مؤثر است (Hafeznia & Zarghani, 2002, p.149). جستجوی رهبری و اختلافات به وجود آمده در جهان اسلام در سازمان همکاری اسلامی انعکاس داشته است، در درون سازمان بسیاری از رهبرهای کشورهای عضو ادعای رهبری دارند، در نتیجه بخش قابل توجهی از انرژی سازمان پیوسته صرف تلاش برای حفظ تعادل و موازنه بین کشورهای عضو قدرتمند شده است، در نتیجه شماری از این کشورها نسبت به دیگر اعضای کنفرانس بسیار سخت‌گیر و ظنین‌تر هستند، تا نسبت به کشورهای غیرعضو (Simbar & Ghorbani, 2011, p.214). عربستان سعودی خود را مهد دنیای اسلام و مکان پیداشدن اسلام دانسته و برای ایفای نقش مرکزیت جهان اسلام از تمامی امکانات به‌ویژه منابع نفتی و مالی سود می‌برد، ترکیه خود را فاتح جنگ‌های صلیبی دانسته و کشورش را از لحاظ تاریخی سد بزرگی در راه نفوذ مسیحیت می‌داند و این کشور همچنین خود را وارث امپراتوری‌های بزرگ مانند عثمانی قلمداد می‌کند، گستردگی زبان‌ش از آسیای صغیر تا چین را یکی دیگر از افتخاراتش برمی‌شمرد و خود را پلی بین غرب و جهان اسلام تلقی می‌نماید (Ghasemi, 2002, p.99). ایران خود را وارث تمدن هخامنش و ساسانی و بخش اعظمی از تمدن اسلام در دوره اسلامی می‌داند که پایه پای اسلام جلو آمد و این دین را یاری نموده است (Zarrinkoob, 1980, p.29). این موارد می‌تواند به اختلافات در جهان اسلام و به‌ویژه در گروه‌بندی و اختلاف در

سازمان همکاری اسلامی مؤثر باشد و به‌جای اتحاد آن را به سوی افتراق سوق دهد. داشتن رهبری مؤثر بر پیشرفت است.

۳- چالش‌های منطقه‌ای

در کنار ناهمگونی تقسیم‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو سازمان که بر همکاری منظم آنان در قبال مشکلات اقتصادی و گرفتن مواضع یکسان در برابر پدیده‌ها و رخداد‌های سیاسی جهان تأثیر منفی می‌گذارد؛ زمینه مشترک موجود، فرهنگ اسلامی است که می‌تواند به زعم تفاوت‌های قابل اغماض، به دلیل اشتراکات در پیروی از یک کتاب و یک پیامبر، زمینه را برای اتخاذ روش علمی یکسان فراهم آورد (Zarif, 1997, p.672). در زمینه فرهنگی سازمان هنوز مشغول کار بر روی سیاست آموزش واحدی برای کشورهای اسلامی است که هنوز به جایی نرسیده است (Simbar & Ghorbani, 2011, p.213). هرچند تنوع در فرهنگ چالش‌هایی در کشورهای اسلامی و به‌دنبال آن در سازمان همکاری اسلامی به‌وجود می‌آورد، کشورهای عضو سازمان، دارای تفاوت‌ها و تعارضات فرهنگی زیادی هستند، تفاوت‌های زبانی، نژادی و فرهنگی، در بسیاری از موارد موجب اختلاف این کشورها شده است، تفاوت فرهنگ‌هایی چون عربی، ایرانی، ترکی و... از عوامل مهم واگرایی در دنیای اسلام است (Shooshtari, 2004, p.76). در واقع سازمان همکاری اسلامی، نه تنها نتوانست نقطه پایانی بر این مجادلات در جهان اسلام باشد، بلکه به یکی از مجاری برای انعکاس ضمنی این مجادلات به انحای مختلف تبدیل شده است (Ahmadi, 1998, p.721). همچنین وجود روحیه ضعف جهت همکاری‌های منطقه‌ای نیز یکی از عوامل مؤثر دیگر است. روحیه احساس ضعف در مقابل اقتصاد و فرهنگ سلطه جهانی در جوامع در حال توسعه، نبودن روحیه تعاون و همکاری، وجود بدبینی نسبت به فرهنگ خودی و عدم اعتقاد به طرح‌های منطقه‌ای از عوارض استعمار فرهنگی است. همچنین القای روحیه کاذب ناسیونالیستی در میان مردم جوامع در حال توسعه، موجب کاهش توجه به درمان‌های مشترک در جوامع فوق شده است. این امر امکان استفاده از زمینه وسیع اشتراک فرهنگی را از میان می‌برد. عدم وجود این زمینه‌های فرهنگی می‌تواند هرگونه همکاری و حرکت به سوی وحدت ملی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از بین ببرد (KellyKate, 2005, p.102). البته نسبت به سایر بخش‌ها در مجموع فعالیت‌های فرهنگی سازمان و ایجاد ارگان‌های فرعی مثل مجمع فقه اسلامی، سازمان تربیتی، آموزش اسلامی (آیسیسکو)، مرکز فرهنگی، تاریخی و هنری اسلامی (اریسکا)، کمیته حفظ میراث اسلامی (اینا)، خبرگزاری اسلامی و رادیو تلویزیون کشورهای اسلامی (اسیبو) مثبت ارزیابی می‌شود (KellyKate, 2005, p.122). البته باید گفت سازمان همکاری

اسلامی مسائل و موضوعات فرهنگی را با مسائل اطلاعاتی و وسایل ارتباط جمعی درهم آمیخته است و آنها را به هم مرتبط می‌سازد.

۳-۱- عوامل اقتصادی

جهان با شتاب به سوی تشکیل بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال حرکت است. این تحول از جمله شاخص‌های جهان معاصر به شمار می‌رود. در این زمینه نیز کشورها در قالب ارگان‌های اقتصادی سازمان همکاری اسلامی، دستاورد مهم و چشمگیری به دست نیاورده‌اند و در صورت عدم جبران این نقیصه فاصله کشورهای عضو سازمان با جهان صنعتی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی در آینده بیش از گذشته می‌شود (Velayati, 1997, p.668). سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از سازمان ملل می‌تواند در راستای بهره‌برداری از منافع اقتصادی به خوبی عمل کند، در قطعنامه‌های اقتصادی سازمان همکاری اسلامی مسائلی همچون گسترش تجارت میان کشورهای عضو، بازار مشترک اسلامی، برخورد سازنده با جریان‌های جهانی شدن اقتصاد، همکاری‌های علمی و تکنولوژیکی و... به تصویب رسیده است (FouziToyserkani, 1998, p.267).

۳-۱-۱- توزیع نابرابر ثروت

بیش از نیمی از کشورهای اسلامی جزو کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شوند. برخی از کشورهای عضو سازمان دارای منابع زیرزمینی و فلزات گران‌بها هستند، در مقابل کشورهایی وجود دارند که منابع خاصی در اختیار ندارند و جزو فقیرترین کشورها به حساب می‌آیند، توزیع ناهمگون ثروت و منابع، همکاری کشورهای غنی و فقیر و تشکیل یک اتحادیه را با چالش مواجه می‌کند، زیرا انگیزه لازم در میان کشورهای غنی برای همکاری با کشورهای فقیر وجود ندارد و نیازی به همکاری نمی‌بینند. این تفاوت‌ها می‌توانند بر اهمیت آن منطقه اثرگذار باشند، برای مثال در خلیج فارس تا سال ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا ۴۷ درصد، ژاپن ۹۰ درصد و اروپا ۵۰ درصد نفت و گاز و انرژی خود را عمدتاً از این منطقه تأمین می‌کند. از طرفی نیاز روزافزون کشورهای آسیایی از جمله هند، چین و ژاپن به نفت خلیج فارس به اهمیت این منطقه از حیث ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک افزوده است (Simbar & Ghorbani, 2011, p.279). به سخنی دیگر می‌توان گفت درآمد سرانه غنی‌ترین کشور مسلمان بیش از صد و پنجاه برابر فقیرترین کشور مسلمان می‌باشد (Khorshydy, 2000, p.70).

۳-۱-۲- ناهمگونی ساختار اقتصادی

ساختار تولیدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان یک مجموعه اقتصادی، به گونه‌ای است که کشاورزی ۱۸/۲ درصد، صنایع ۳۶/۵ درصد بیشتر (با تأکید بر صنایع استخراج و تولید

نفت) و خدمات ۴۵/۳ درصد از کل تولید ناخالص آنها را تشکیل می‌دهد. این نسبت‌ها نشان می‌دهد که ساختار کشورهای اسلامی به ساختار تولید کشورهای با درآمد پایین و متوسط جهان شباهت دارد (Shahabadi, 2000, p.237)، در حالی که اکثر کشورهای ثروتمند در دنیای اسلام در خاورمیانه قرار دارند. از این لحاظ کشورهای اسلامی دچار ناهمگونی شدیدی هستند. هنوز یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده برای سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای ثروتمند اسلامی به شکل منسجم وجود ندارد، البته بانک توسعه اسلامی به اقداماتی دست زده که هنوز کافی به نظر نمی‌رسد. در نهایت همان‌طور که معضلات سیاسی و اجتماعی در کشورهای نفت‌خیز با استفاده از ثروت از میان می‌رود در کشورهای فقیرتر از طریق سیستم‌های سخت‌گیرانه امنیتی با آن برخورد می‌شود، این شکاف‌های اقتصادی خود عاملی برای بسترسازی مشکلات و معضلات اجتماعی محسوب می‌شود (Fuller, 1995, p.202).

۳-۱-۳- مکمل نبودن اقتصاد

اقتصاد کشورهای عضو مکمل نیست، زیرا این کشورها تک‌محصولی و توسعه‌نیافته هستند و تولید عمده آنها یک یا دو نوع ماده خام است که می‌توانند با صادرات آن درآمد کسب کنند، در مقابل اغلب واردکننده کالاهای صنعتی و مواد مصرفی از کشورهای صنعتی هستند، اقتصاد مکمل، وابستگی مقابل کشورهای منطقه را به دنبال می‌آورد زیرا هر کدام از کشورها، می‌توانند در عین فروش کالاهای خود و برآوردن نیاز دیگران، با خرید کالاهای منطقه مورد نیاز خود را تأمین کنند. ولی در عمل این گونه نیست، برای مثال در سال ۱۹۹۷ از ۴۱۶/۶ میلیارد دلار صادرات، فقط ۳۸/۵ میلیارد دلار (معادل ۹ درصد) به تجارت درون‌گروهی اختصاص یافته و ۹۱ درصد صادرات کشورهای اسلامی روانه بازارهای خارج از منطقه گردیده است (Mazroghy, 2000, p.278). مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی، موجب گردیده این کشورها به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه، به کشورهای ثروتمند و نهادهای پولی بین‌المللی وابسته شوند و این وابستگی تبعات منفی اجتماعی- فرهنگی زیادی را برای آنها به دنبال داشته است. (Shooshtari, 2004, p.80).

۳-۲- توسعه

کشورهای عضو سازمان از نظر کیفیت نیروی انسانی در سطوح متفاوتی قرار دارند، در عین حال میزان بی‌سوادی در این کشورها به‌طور کلی بسیار بالاست. همچنین نیروی انسانی در این کشورها در بخش کشاورزی و خدمات اشتغال دارند و حتی از نظر منابع نفتی باید گفت که ۱۱ کشور عضو سازمان اوپک، عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز می‌باشند، که ایران، عربستان و عراق بیشترین ذخایر نفتی را دارند و برخی کشورها مانند چاد، مالی، بورکینافاسو و مصر صادرکننده عمده پنبه و اوگاندا به‌عنوان

صادرکننده قهوه و برخی کشورهای دیگر همچون موریتانی دارای صادرات سنگ آهن می‌باشند (Simbar & Ghorbani, 2011, p.67).

۳-۳- وابستگی به کشورهای ثروتمند غیراسلامی

مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی موجب گردیده، این کشورها به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه به کشورهای ثروتمند و نهادهای پولی بین‌المللی وابسته شوند و این وابستگی تبعات منفی اجتماعی- فرهنگی زیادی را برای آنها به دنبال داشته است (Shooshtari, 2004, p.80). با آنکه بخش وسیعی از نیازهای کشورهای اسلامی به وسیله مبادله بین خودشان تأمین شدنی است، هنوز نتوانسته‌اند با اولویت دادن به مبادلات میان خود از وابستگی و واردات از کشورهای غیراسلامی بکاهند. تشکیل بازار مشترک اسلامی، از جمله راه کارهای مقابله با چالش‌های پیش روی امت اسلامی است (Abdollahi, 2003, p.41). البته با عنایت به عضویت بعضی از کشورهای اسلامی در سازمان جهانی تجارت و بهره‌برداری نسبی از تعرفه‌های پایین‌تر در چهارچوب مبادلات این کشورها با کشورهای صنعتی و اروپایی، همکاری بخش‌های خصوصی کشورهای اسلامی و همچنین ایجاد تعرفه‌های ترجیحی، مستلزم تجدیدنظر در ساختار این تعرفه‌ها و ایجاد فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی در تجارت با کشورهای اسلامی است (Zarif, 1997, p.678).

۴- چالش‌های نوین بین‌المللی:

می‌توان مدعی شد که در شرایط نوین بین‌المللی، نیاز به این سازمان بیش از پیش احساس می‌شود و در شرایط متحول نظام بین‌الملل که فرآیند جهانی شدن به‌صورت پدیده واقعی درآمده است، شرط بقا و کامیابی سازمان منوط و مشروط به انجام تلاش‌های جدی برای کسب قابلیت‌های لازم جهت هدایت یک‌میلیارد و سیصد میلیون مسلمان است تا اعتماد دولت‌ها و ملت‌های مسلمان کسب شود.

۴-۱- بحران هویت

سازمان همکاری اسلامی با نوعی بحران هویت مواجه است که حاصل تضاد بین هویت ملی کشورهای عضو از یک سو و هویت اسلامی امت مسلمانان از سوی دیگر است. همین تناقض به نوعی در منشور سازمان نیز منعکس شده است. به این نحو که منشور از یک طرف بر امت اسلامی تأکید دارد، ولی از سوی دیگر بر مقولاتی مانند حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حق تعیین سرنوشت که از مؤلفه‌های جانبی ناسیونالیسم و هویت ملی است، تأکید می‌ورزد. در نتیجه این پارادوکس‌ها، تشکیل سازمان همکاری اسلامی نه تنها نتوانست نقطه پایانی برای مجادلات عقیدتی بین نحله‌های مختلف فکری در جهان اسلام باشد، بلکه خود نیز به یکی از مجاری موجود برای انعکاس ضمنی این مجادلات به انحای مختلف تبدیل شده و عملاً سازمان همکاری اسلامی با نوعی تناقض تئوریک در کار خود مواجه است. این پارادوکس‌ها

یکی از چالش‌های جدی سازمان است که باعث می‌شود اعضا به فعالیت در چهارچوب آن علاقه‌مند نباشند (Simbar & Ghorbani, 2011, p.214).

۴-۲) تروریسم

امروزه تروریسم در فرآیند گسترش خود حیطهٔ مرزهای ملی را درنوردیده است و به دغدغه و دلواپسی عمده‌ای برای بازیگران جهانی تبدیل شده است. دانش‌نامهٔ بریتانیکا، تروریسم را چنین تعریف می‌کند: عبارت است از «تروریسم کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است (The new Encyclopedia Britannica, 1986, p. 11). تحت تأثیر نظریهٔ جنگ تمدن‌ها لبهٔ تیز جنگ با تروریسم به سوی جهان اسلام نشانه رفته است. با این اوصاف سازمان همکاری اسلامی هنوز داری ساختار بسیار اولیه است و توانایی و آمادگی برای رویارویی با پدیده‌های قرن ۲۱ را ندارد. این سازمان با این شرایط نمی‌تواند با تحولات جدید به شکل کارآمدی روبه‌رو شود و بنابراین نیازمند تجدیدنظر در ساختار و عملکرد است (Simbar & Ghorbani, 2011, p.265). احساس نیاز به دشمن خارجی، هستهٔ مرکزی تکوین هویت اجتماعی در جوامعی مانند آمریکا است. جامعه‌ای که به‌رغم شیوع خشونت فزاینده و وحشت در میان خود، همهٔ بدی‌ها و نامطلوب‌ها و خشونت‌ها را به دیگران (بیگانگان) نسبت داده و خود (یا همان معصوم بی‌گناه) را قربانی و بالمآل متولی برخورد با تروریسم منسوب به دیگران می‌داند و به‌دنبال آن با وجود برخی از گروه‌های تروریستی که به نام اسلام فعالیت می‌کنند، زمینهٔ این تفکر بیشتر فراهم می‌شود. برای مثال بین کشورهای مدعی رهبری جهان اسلام، در برخورد با گروه داعش که اسلام‌هراسی را در سطح جهان گسترش می‌دهند اتفاق نظر وجود ندارد؛ عربستان سعودی که به حمایت از گروه داعش پرداخته، جمهوری اسلامی ایران مخالف آن و ترکیه نیز موضع خاصی نگرفته است. در همین حال شاهین به این گمان است که تلویزیون آمریکا، عرب‌ها را به‌عنوان مردان شهوت‌پرست و تروریست تصویر می‌کشد (Shaheen, 2000, p.26) و همچنین هوگشایر گزارش‌های خبرنگاری از نیویورک تایمز دربارهٔ انتخابات الجزایر را به‌عنوان ترس از اسلام توصیف می‌کند (Hogshire, 1992, p.6). با توجه به موارد ذکر شده، سازمان همکاری اسلامی نیازمند تقویت مؤلفه‌های داخلی برای مقابله با تروریسم است.

۴-۳) سلطهٔ رسانه‌ای و قدرت نرم

از نظر سیاسی و فرهنگی حرکت بر علیه کشورهای اسلامی به‌صورت نرم انجام می‌شود. یعنی امروزه دیگر مداخلهٔ قدرتمندان عرصهٔ جهانی در امور داخلی مسلمانان عمدتاً به‌صورت مداخلهٔ مستقیم و نظامی نیست، بلکه بیشتر از طریق حجه یا حملهٔ رسانه‌ای صورت می‌پذیرد. جوزف نای از پیشگامان طرح

قدرت نرم، در کتاب «کاربرد قدرت نرم» بر این عقیده است که: اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد (Nye, 2003, p.10). فناوری نقش تعیین کننده‌ای در جنگ نرم ایفا می‌کند، به بیان دیگر فناوری نرم، دانش چگونگی آفرینش و ابداع در عرصه‌های تفکر، احساس، ارزش‌ها، ایدئولوژی رفتارهای فردی، سازمانی و اجتماع بشری است. استانداردهای، پردازش، تنظیم و تدوین افکار، ادراک، ارزش‌ها و فرهنگ، نمونه‌های بارز فناوری نرم هستند (Zhouying, 2001, p.3). برخورداری کشورهای غربی از این ابزار و نبود اتحاد در میان کشورهای اسلامی برای مقابله، آنها را آسیب‌پذیر ساخته است. در مجموع ایالات متحده پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، هزینه زیادی برای ترویج دیپلماسی آشکار خود کرده است. این تلاش‌ها شامل تخصیص بودجه بیشتر و کانال‌های تلویزیونی و ایستگاه‌های رادیویی متعدد می‌شود که قرار است برای جهان اسلام برنامه پخش کنند. بدین ترتیب سلطه رسانه‌ای و فن‌آوری ارتباطی جهان غرب نیز یکی از چالش‌های فراسو قلمداد می‌شود. روند مشابهی در قرن ۱۸ و ۱۹ در مورد کشورهای غربی وجود داشت که در آن با تکیه بر انقلابات صنعتی و فن‌آوری بخش‌های گسترده‌ای از جهان اسلام را تحت سلطه و استثمار خود درآوردند، در شرایط امروز نیز تهدیدات مشابهی می‌تواند جهان اسلام را با خطرات جدی مواجه سازد. در نتیجه در شرایط متحول نظام بین‌الملل که فرآیند جهانی شدن به صورت پدیده واقعی درآمده است، شرایط بقا و کامیابی سازمان منوط و مشروط به انجام تلاش‌های جدی برای کسب قابلیت‌های لازم جهت هدایت یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان است تا اعتماد دولت‌ها و ملت‌های مسلمان کسب شود (Simbar & Ghorbani, 2011, p.210).

نتیجه‌گیری

با توجه به چالش‌های پیش روی سازمان همکاری اسلامی بسیار بعید است که به مثابه سازمانی سیاسی یا اقتصادی موفق، ادامه حیات دهد. با این وجود عدم امکان مصالحه بر سر تشکیل یک سازمان کارآمد به معنای تداوم منازعات نیست. سازمان همکاری اسلامی به مثابه سازمانی برای کاهش منازعات پیش روی کشورهای اسلامی به انسجام و یک‌پارچگی در اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان در مواجهه با مسائل و بحران‌های آتی نیازمند است. کشورهای اسلامی باید کم‌هزینه‌ترین و عملی‌ترین راه را برای حل منازعه خود انتخاب کنند. همچنان که یافته‌های این تحقیق نشان داد، زمینه‌های هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه، در دهه اول قرن بیست و یکم به نحو چشمگیری کاهش یافت. منازعه میان

اسلام و غرب در گستره‌ای جغرافیایی از اندونزی تا اسپانیا همچنان در جریان است و ظهور گفتمان تروریسم این منازعه را شدت بخشیده است. افزون بر این، بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا نشان داد که اقتصاد کشورهای اسلامی سال‌هاست که در اقتصاد جهانی جذب شده و بنابراین اتخاذ مدل‌های بومی نیز مورد قبول همه کشورهای اسلامی نیست. بسیار بعید است که مسلمانان بتوانند در دنیای جدید بلوکی اقتصادی یا سیاسی ایجاد کنند. ایجاد چنین بلوک‌هایی حتی برای کشورهای اروپایی و آمریکایی یا کشورهای همچون چین نیز آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد به‌سادگی مقدور نیست. اقتصاد جهان بیش از هر زمان دیگری در هم فرو رفته و پیش‌بینی مراکز جدید بلوک قدرت یک تخمین ساده‌انگارانه بوده است. با این وجود، نبود شرایط هم‌گرایی به منزله نفی اهمیت سازمان‌هایی همچون سازمان همکاری اسلامی نیست. با دیدگاهی واقع‌بینانه‌تر این سازمان‌ها می‌توانند در جهت کاهش و یا ترمیم شکاف‌های عمده در جهان اسلام عمل نمایند. در تحلیلی نهایی شاید بتوان گفت، عدم امکان شکل‌گیری اتحادیه‌های اسلامی، کشورهای اسلامی را به جذب‌شدن در اتحادیه‌های منطقه‌ای حول دو گفتمان در حال ظهور سوق خواهد داد. گفتمان نخست لیبرالیسم اقتصادی است که کشورهای اسلامی به‌ویژه ثروتمندان عربی را به سمت خود جذب کرده است و گفتمان دوم دموکراسی است. تحت تأثیر جهان دوقطبی و تک‌قطبی بعد از فروپاشی شوروی این دو گفتمان الزاماً از یک منظر و جغرافیای مشترک پیروی نمی‌کردند، اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر دو گفتمان در حال نزدیک‌تر شدن به یک‌دیگرند. می‌توان این احتمال را مطرح ساخت که در دهه‌های آینده، بسیاری از کشورهای اسلامی به این گفتمان عزیزت خواهند کرد و یا به درون آن کشیده خواهند شد.

References

- Abdollahi, M. (2003). "OIC position in Africa and the role of African Muslim Countries". *Journal of African Studies*, No 8, fall and winter. (in persian)
- Aghaei, S. D. (2010). *International Organizations*, 8th edition, Tehran, Saray-e-Edalat Publishers. (in persian)
- Ahmadi, K. (1998). Organization of the Islamic Conference and its positive and negative ground for its future activities *Siasat-e-Khareji Journal. No.3*, fall. (in persian)
- Drysel, A. et al., (1991). *Political Geography of Middle East and North Africa*, translated into Persian by Dareh Mirheydar Mirmohajerani, Tehran: The Center for Political and International Studies. (in persian)
- Ezati, E. (2008). *Geopolitics*, samt publication, Tehran (in Persian)
- Fouzi Toyserkani, Y. (1998). *Organization of the Islamic Conference (Its structure, practice and its relations with Iran)*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in persian)
- Fridman, M. (1953). *Essays in Positive Economics*. Chicago: University of Chicago Press.

- Fuller, Graham E. (1995). *A Sense of siege: the geopolitics of Islam and the West*, translated into Persian by Alireza Farshchi and Ali Akbar Karami, Tehran: Military Academy of Iranian Revolutionary Guards Press. (in persian)
- Ghasemi, A. (2002). "Evaluating the obstacles and solutions for enhancing the position of Organization of the Islamic Conference in the current international system", a thesis submitted to obtain Degree of Master of Arts, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs. (in persian)
- Ghavam, A. (1991). *Principles of foreign policy and international politics*, Tehran: Samt Publishing. (in persian)
- Ghavam, A. (2003). *Globalization and Third World*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. (in persian)
- Ghavam, A. (2005). *International Relations: perspective and theories*, Tehran: Samt Publishing. (in persian)
- Hafeznia, M. (1990). *The Foundations of sociopolitical Studies (2 vols)*, The Organization of Abroad Schools and Seminaries. (in persian)
- Hafeznia, M. R., & Zarghani, S. H. (2002). Geopolitical challenges of integration in the islamic world *Pajuhesh-haye-jografya-ye-siasi*, 80. (in persian)
- Hafeznia, M., & Kavianirad, M. (2004). *New Horizons in Political Geography*, Tehran: Samt Publishing. (in persian)
- Hass, E. B. (1958). *The Uniting of Europe*, Stanford: Stanford University Press.
- Hogshire, J. (1992). Islam phobia Lies of Times 3(3) March, 6-7.
- Khorshydy, G. (2000). Possibility of Common Islamic Countrise, collection Of Articles Conference of Economical Cooperation of between Islamic Countries. Institute for Economical Studies, Tehran.
- Lenczowski, G. (1973). The Arab Cold War, in W. A. Belhng (ed), *The Middle East: Quest for American Policy*, New York: State University Of New York, 55-72.
- Mamduhi, F. (1992). *Countries and International Organizations Issues*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (in persian)
- Mazroghy, H (2000). Equipments of Exchange in the Islamic countries, collection Of Articles Conference: Economical Cooperation of between Islamic Countries. Institute for Economical Studies, Tehran.
- Mojtahadzadeh, P. (2000). *Geopolitical Ideas and Iranian Realities*, Tehran: Ney Publishers. (in persian)
- Mousazadeh, R. (2010). *International Organizations*, Tehran: Mizan Publishing. (in persian)
- Naji s., & Jawan, J. A. (2013). Geopolitics of The Islam World leader ship, *Transcience*. 4, Issue.1.
- Nazarahari, R. (1997). Organization of the Islamic Conference and its positive and negative ground for its future activities *Journal of Siasat-e- Khareji*, No.3, fall. (in persian)
- Nye, J. (2003). *Soft Power: the Means to Success in World Politics*, translated into Persian by Seyed Reza Mirtaher, Tehran: Ghoomes Publishing. (in persian)
- Pease, K. K. (2005). *International Organizations*, translated into Persian by Hossein Sharifi Tarazkoochi, Tehran: Mizan Publishing House. (in persian)
- Puchala, D. j. (1973). Blind Men, Elephants and International Integration, *Journal of Common Market Studies*, 3.
- Safavi, S. Y. (2010). *Unity of Muslim World*, Tehran: Shakib Publishers. (in persian)

- Sayed-as-salim, M. et al., (1997). *Organization of the Islamic Conference in changing world*, translated into Persian by Hassan Rezaei, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. (in persian)
- Shahabadi, A. (2000). *The Role of Foreign Direct Investment in Islamic Countries*, presented in a seminar on economic cooperation within Islamic Countries, Tehran: The Institute of Economic Studies. (in persian)
- Shaheen, J. G. (2000). "Hollywood's Muslim Arabs." *Muslim World*, 90(1-2): 22-42. The new Encyclopedia Britannica.11. Micropaedia. 1986.
- Shooshtari, M. J. (2004). *Cultural deficiencies and requisites of Islamic World*, Organization of the Islamic Conference, Tehran: Amirkabir Publishing. (in persian)
- Simbar, R., & Ghorbani, A. (2011). *Iran and Integration in Islamic World*. Tehran, University of Imam Sadiq Press, (in persian)
- Sonboli, N. (1997). The Islamic world: Its vulnerabilities and its threats, *Siasat-e-Khareji Journal*, fall 1997. (in persian)
- Syed, F. (1997). Structural Reform in Organization of the Islamic Conference translated by Masoud Taremsari, *Siasat-e-Khareji Journal*, 3, fall 1997. (in persian)
- Vaez, N. (2008). "Main causes of disintegration of Middle East countries in recent decades". *Intercultural Studies Quarterly*, 4, (in persian)
- Velayati, A. A. (1997). "OIC: the necessity of moving forward after the Cold War", *Siasat-e-Khareji Journal*, Islamic Conference Special Issue, fall 1997. (in persian)
- Wiclean, J. (1989). *Basics of Diplomacy*, translated into Persian by Abdolali Ghavam, Tehran: Ghoomes Publishing. (in persian)
- Zarghani, H. (2007). *An Introduction to International Borders*, Tehran: Police Academy Press. (in persian)
- Zarif, M. J. (1997). "The Necessity of Reform in Organization of the Islamic Conference (OIC) ", *Siasat-e-Khareji Journal*, OIC Special Issue, Fall 1997. (in persian)
- Zarrinkoob, A. (1980). *Islam's Golden Records*, Tehran: Amirkabir Publishing. (in persian)
- Zhouying, J. (2001). *Soft technolog: The Essential of In novation*, Chinese Academy of Social Science, available at: www.millennium-Project, Org/millennium bijing-0702.pdf